

متن کامل مصاحبه آنلاین و ۱۲۰ دقیقه ای سجاد صیدآبادی در تالار نخبگان قرآنی

منطقه غرب استان گلستان - ۱۰ مهرماه ۱۳۹۸

سلام استاد. حالتون خوبه؟

به نام خدا. سلام عرض می کنم محضر همه عزیزان و ارادتمندان به ساحت مقدس و نورانی قرآن کریم و عرض تسلیت دارم بمناسبت فرا رسیدن ایام اسارت خاندان اهل بیت (علیهم السلام). الحمد لله خوبم، به توفیق الهی بهتر از همیشه.

استاد صیدآبادی امشب میخوایم خیلی عامیانه و خودمونی باهاتون گفتگو کنیم. لطفا خودتونو بیشتر برامون معرفی کنید. حقیر سجاد صیدآبادی هستم، فرزند کوچک استاد معظم قرآن کریم استاد حاج حسن صیدآبادی که سهم عظیمی در تربیت نسل قرآنی منطقه دارند. کارشناس الهیات (گرایش تربیت معلم قرآن کریم) و خدمتگزار این مردم شریف چند سالی است به عنوان مدرس و کارشناس قرآن و معارف اسلامی انجام وظیفه می کنم.

حدود ۱۸ ماه هست که مصاحبه ای نداشتید دلون براتون تنگ شد. امشب میخوایم نه فقط مصاحبه تخصصی قرآنی، بلکه میخوایم مصاحبه جامعی داشته باشیم ازتون. امیدواریم خسته تون نکنیم.

همه ما انسان ها مسئولیم و همه مان باید در هر شرایطی به گونه ای زندگی کنیم که پاسخگو باشیم. بنده از مصاحبت در جمع باصفای قرآنیون عزیز منطقه لذت می برم و خستگی برام مفهومی نداره. در خدمتون هستم.

آقای صیدآبادی در حال حاضر رابطتون با قرآن و معارف قرآن چگونه؟ فرصت می کنید تلاوت کنید یا تدبر در قرآن داشته باشید؟ اینکه فرصت می کنیم یا نه که توفیق الهی رو میطلبه و البته در مسیر قرار گرفتن ما. مثل اینکه فردی بخواد بره شهری و برای اینکه بخواد مسافرت کنه باید لوازم مسافرت رو آماده کنه و در مسیر قرار بگیره. مابقیش بستگی به توفیقات الهی داره. بهره مندی از قرآن کریم هم همینطوره. انسان اول باید بخواد هدایت بشه، در مسیر قرار بگیره، اقداماتی رو انجام بده، بعدش توفیقات الهی هم شامل حالش خواهد شد، ان شاء الله. ما هم سعی مان بر این است که قرآن همیشه در زندگی مون باشه، حتی اگر شده هر روز جلد قرآن را لمس کنیم و به خودمون تلنگری بزنیم که آیا در مسیر قرآن هستیم یا نه؟!

از شاگردتون چه خبر؟ هنوز هستن کنارتون؟ جذب جدید داشتید؟ وضعیت قرآنی تون در منطقه چگونه؟
همراهان قدیم مونو گهگاهی دوردور زیارت می کنم و اگر در خیابان یا جایی بینم سلام و ارادتی بهشون عرض میکنم و براشون آرزوی توفیق دارم، ولی در مورد جذب جدید عرض کنم هدفم تربیت نسل قرآنی است که از پایه می بایست آغاز کرد که بحمدالله به توفیقاتی در این زمینه دست یافتیم. استعدادهای قرآنی که با حضور مستمرشان در کلاس ها در آینده نزدیک حرف های بسیاری برای گفتن خواهند داشت. تاکنون در سال جدید بیش از ۱۲۰ جذب جدید داشتیم و این روزها پیگیر ساماندهی آنان هستیم.

لطفا ما رو از احوال ابوی بزرگوارتون استاد بزرگ قرآن شهر، استاد حاج حسن صیدآبادی آگاه کنید. شنیدیم جراحی قلب باز داشتن. بله، ابوی بزرگوام بدلیل فشارهای بسیاری که طی ۴۰ سال خدمت خالصانه قرآنی که داشتن بهشون وارد شد، مشکلاتی برای رگ های قلب شون ایجاد شد که با عمل جراحی قلب باز که داشتن و بحمدالله موفقیت آمیز هم بود، مشکلات شون مرتفع شد و ان شاءالله با برنامه ریزی های بعمل آمده بزودی در کلاس های قرآنی شهر شاهد همان تدریس ناب و فوق العاده شون خواهیم بود.

آقای صیدآبادی وضعیت قرآنی شهر رو تا به امروز چطور می بینید؟ رشد و توسعه ای داشته؟ باهاتون همکاری میشه؟ اینکے بخوام یک طرفه انتقاد کنم کار جالبی نیست. به هر حال در هر بخشی قطعاً مشکلاتی بوده و نواقص بسیاره. در بخش قرآنی شهر هم این مشکلات و نواقص چشم گیره و هنوز به حالت ایده آل نرسیده. بخشی از مشکلات و نواقص از جانب برخی مسئولین ذی ربط شهری است و بخشی دیگر از جانب خودمون که عمدتاً پای کار نیستیم و تنبل شدیم! از لحاظ مالی هم که متأسفانه کماکان مشکلات وجود داره، ولی برامون اهمیت نداره. چون جوان مومن انقلابی از سختی ها همواره فرصت می سازه و هیچ وقت کم نمیاره، چرا که هدف، رضای خداست! برای او قدم بر می داره و از هیچ چیز و هیچ کس هم هراسی نداره.

استاد امسال وضعیت کاریتون چطوره؟ هنوز مدرسه نمونه دولتی بشارتی با اون شیوه کاری فوق العادتون که باعث شد دبیر نمونه مدرسه هم بشید، تدریس دین و زندگی دارید؟ مدیریت جدید مدرسه باهاتون همکاری میکنن؟ بنده جا داره ابتدا خسته نباشید ویژه عرض کنم محضر استاد حاج علی آقای خاکی بزرگوار؛ مدیر توانمند و باصلابت مدرسه نمونه دولتی بشارتی که ۳۰ سال در نهاد مقدس آموزش و پرورش خدمت خالصانه و جهادگرانه داشتن و بنده توفیق داشتیم در سه سال آخر حضور ایشان در آموزش و پرورش در محضرشون باشم و از تجربیات و رهنمودهاشون کسب فیض کنم. وضعیت کاری بنده مانند سال های گذشته کماکان در همان دارالقرآن آموزش و پرورش می باشد، ولی تنها فرقی که فعالیت هام با سال های گذشته داره اینکه امسال در مدرسه نمونه دولتی بهم تدریس نرسید. سال های گذشته براساس تخصص و علاقه ای که به تدریس درس معارف اسلامی داشتیم، به صورت کاملاً رایگان چند ساعتی تدریس می گرفتم. سال گذشته جدا از ساعات موظف کاری در دارالقرآن، حدود ۲۴ ساعت غیرموظف (یعنی تمامی کلاس های مدرسه نمونه دولتی) بطور داوطلبانه و بدون دریافت هیچ وجهی تدریس گرفتم که هم بر تجربیاتم بیفزایم و هم کمبود نیروی تدریس در آموزش و پرورش شهر رو جبران کنم. کار، کمی سخت بود، ولی تجربیات خوبی رو کسب کردم و از این بابت خیلی خوشحالم.

شرایط تدریس امسال متأسفانه مانند سال های گذشته رقم نخورد. شرایط و وضعیت جدید اداره آموزش و پرورش شهر و مدرسه نمونه دولتی علی رغم پیگیری هایی که داشتیم به گونه ای رقم خورد که حتی یک ساعت هم برایم جای تدریس باقی نگذاشت. هرچند بسیاری از دانش آموزان و خانواده هاشون از این مسأله ابراز نارضایتی کردند و اتفاقاً پیگیر هم بودند، ولی شاید حکمت این بود که امسال مانند سال تحصیلی ۹۵ - ۹۴ بنده به همون دارالقرآن بسنده کنم و در حال حاضر از شرایط کاریم رضایت دارم و خدای متعال را شاکرم.

وضعیت تربیتی دانش آموزاتون چطوره؟ مثل همیشه فعال و پرنشاط و مودب؟ وضعیت آموزش و علم آموزی شون چطوره؟ باهاشون ارتباط دارید؟ لطفاً کمی توضیح بدید.

دانش آموزان و یا بهتر بگم جوونا و نوجوونای ما بسیار خوبن. این ما هستیم که باید به آنان آموزش صحیح دهیم و این ما هستیم که باید بستر علم آموزی و تربیت اسلامی را به طور صحیح پیاده کنیم. دانش آموزان سابقم هر از چندگاهی که با مشکل و یا سوال و شبهه ای مواجه میشن بهم پیام میدن یا تماس میگیرن و یا گهگاهی به مسجدجامع شهر میان و مشکلاتشونو بازگو میکنن. بخصوص در ایام تابستان امسال که بنده اعلام کردم که همه روزه عصرها در مسجدجامع شهر هستیم و دانش آموزان عزیز میتونن همه روزه عصرها قبل از نماز جماعت مغرب و عشاء به مسجدجامع تشریف بیارن و مشکلاتشونو مطرح کنن و پاسخ بگیرن و البته بعدش در نماز جماعت هم شرکت کنن. در تمام این سال ها سعی بنده بر

این بوده که دانش آموز حس نکنه کسی نیست که به فکرش نباشه و نتونه مشکلاتشو بازگو کنه؛ به همین جهت شاید روابط بنده با آنان برادرانه و بسیار صمیمی و فراتر از یک دوست بوده و امیدوارم این عمل موند رضای خدای سبحان قرار گرفته باشه.

استاد شیوه تربیتی جالب و جهادگرانه تون اعم از دغدغه و دلسوزی بیش از حدتون و هزینه کردناتون برای جوونا و نوجوونا در عین صلابت و رعایت حریم ها قابل تقدیره. آیا شده در لابلای این شیوه های رفتاری اذیت هم بشید؟ ببینید نوع رفتار بنده همواره به گونه ای است که دیگران نمیتونن با مشاهده و نظارت از بیرون متوجه میزان عملکرد بشن. شاید برای برخی عجیب به نظر برسه، برای برخی مسخره و حتی برای برخی سوء ظن ایجاد کنه. چون از بیرون نظاره گر هستن و نمیدونن چه سخنانی و با چه شیوه ای میان بنده و طرف مقابل رد و بدل میشه و مشکل اون جوان چیه و بنده از چه مسیری دارم مشکلاتشو حل میکنم. تفکر کارشناسی و رفتار کارشناسی میگه با هر کس میبایست براساس شرایط موجود خودش رفتار کرد و مشاوره داد، فلذا برخی اوقات سخنانی از بیرون می شنوم که نشأت گرفته از ذهنیت ناصحیح بوده و اصلاً در شأن مان نیست و همین مسأله گاها ناراحت میکنه، ولی در روند فعالیتیم تأثیر چندانی نمیداره و بنده با همان صلابت به کارم ادامه میدم. چرا که کار برای خداست و اوست که آگاهی کامل به درون انسان ها و اعمال شان دارد.

با شرایط جدیدی که برای تدریس تون پیش آمده چطور طی می کنید؟ هرچند پرقدرت و مقاوم کارتونو ادامه میدید، ولی حس میکنیم از وضعیت پیش رو کمی رنجیده خاطر شده باشید.

بنده قبلاً هم عرض کردم، جوان مومن انقلابی همواره تهدیدها رو تبدیل به فرصت میکنه و حقیر نیز از این قاعده مستثنی نیستیم. برنامه هایی در راستای پیشرفت و ارتقاء تدریسم دارم و در این فرصت استراحت به وجود آمده لحظات رو غنیمت می شمرم و سطح آموزشم رو با اعمال شیوه های مختلف و متنوع و بروز ارتقا میدم. همچنین گریزی به فضای مجازی و وب سایت جدیدم می زنم و بخشی از آموزش ها و مسائل تربیتی رو در اون فضا ادامه میدم.

استاد از اوضاع و احوال شهر چه خبر؟ همه چی سر جاشه؟ وضعیت شهر رو چگونه ارزیابی میکنید؟
شهر بندرگز شهری است که علی رغم ظواهر آرامش، باطن خفته و پرهیاهویی داره. شهری که استعدادهای بسیاری درش نهفته است، ولی فقط نهفته می مونه. شهری که میشه درش کارهای زیادی انجام داد، ولی نمیشه. شهری که قدرت پروازت درش تا هفت آسمان هم هست، ولی اجازه پرواز تا طبقه اول رو هم نداره. همه چی در این شهر آرومه، ولی باطنش مثل دهل می مونه. شهری که میتونه به بهترین شهر از لحاظ پیشرفت و کیفیت بخشی تبدیل بشه، ولی نمیشه، شهری که تمام خوبی ها و فداکاری های عمرت در یک لحظه فدای ذهنیت ناصحیح جاهلان و ناجوانمردان میشه و شهری که در اوج وفاداری و اقتدار، گرد و غبار غربت فراگیرت میشه و هیچ کس همراه و یاورت نیست، و این است بخش کوچکی از احوال شهر ما...

نابهنجاری ها و ضعف ها و مشکلات شهری رو در چی می بینید؟ به نظرتون چطور میشه مشکلات مرتفع بشه؟
در انتخاب های غلط خودمون. این ما هستیم که انتخاب می کنیم و این ما هستیم که باید پاسخگوی انتخاب های غلط مون باشیم. نه اینکه هی بخوایم به دیگران خرده بگیریم و اونا رو به چالش بکشیم. انتخابتو صحیح انجام بده، بعد مشاوره بده و کمک کن. متأسفانه در شهر بندرگز عمده انتخاب های انتخاباتی براساس قومیت گرایی و حزب گرایی است. به گونه ای عرف شده که چون فلان شخص، هم محلی و یا فامیل موند هست، پس باید بهش رأی بدیم و یا چون فلان شخص بندرگزی است، پس باید حتما بندرگزی رأی بیاره! به قول معروف، تخم مرغ خراب (شیت) باشه، ولی محلی باشه. خب با

چنین طرز فکر غلطی هیچ گاه شهرمون پیشرفت نمیکند. چون هیچ وقت نخواستیم به صلاحیت ها رأی بدیم و صلاحیت ها رو جایگزین قومیت ها کنیم و همیشه هم ضرر کردیم! درواقع عوام کارشون اقتدا کردنه؛ تا بزرگ خاندانی و یا بزرگ محلی میگه به فلانی رأی بدید، چون هم محلی تونه و هواتونو داره عوام بهش رأی میدن. در حالی که باید ببینن چه کسی صلاحیت بیشتری داره و برای خشنودی خداوند به فکر کل منطقه هست. فلذا انتخاب هامون انتخاب های درستی نیست. تعصبات جاهلی همواره در تاریخ ازش به بدی یاد شده. قرآن کریم عبارت جالبی رو بیان می کند و می فرماید: هنگامی که به بت پرستان گفته می شود بیاید دست از تعصبات جاهلی خود بردارید، می گویند "آیا شما می خواهید ما را از سنت آبا و اجدادمان بازدارید؟! " و همواره به گمراهی و ضلالت دچار می شوند. در جامعه امروز ما نیز همین گونه است. تا به کسانی گفته می شود چرا در آستانه انتخابات، حامی فلان شخص شدید و چرا بدون توجه به توانمندی و صلاحیت او را حمایت می کنید، می گویند ما نان و نمک هم را خوردیم و ایشان از بستگان و طایفه ما هستند، آیا می خواهید دیگری را انتخاب کنیم؟! ... و این است همان رفتار و تفکر جاهلی که از قدیم به ارث برده ایم.

وضعیت اجتماعی و سیاسی منطقه رو چطور می بینید؟ انتخابات مجلس در پیش داریم. سیاسیون فعال شدن؟ کسی به فکر انتخاب اصلح هست؟

شهر بندرگز شهری است که از کوچک تا پیر آن با ظاهر سیاست عجین هستن، البته عمده آن سیاست زدگی است، نه سیاست الهی! قطعاً مراوداتی بین سیاسون هست و خواهد بود، ولی اینکه کسی به فکر معرفی و انتخاب اصلح باشه، مانند سال های گذشته بعید بدونم به اجماع برسن. چرا که حزب بازی، گروه گرایی و قومیت گرایی در این شهر موج می زنه و عمدتاً هم هر مجموعه ای به فکر موقعیت و منافع خودش هست.

آقای صیدآبادی چطور میشه در انتخابات، انتخاب آگاهانه و بصیرانه داشت؟ بخصوص اینکه جوانان نیاز به تجربه بیشتر دارن و شاید زود فریب ظاهرنمایی ها رو بخورن.

به نظر بنده برای اینکه به انتخاب آگاهانه و بصیرانه دست یابیم باید براساس موازین و معیارهای رهبری معظم انقلاب اسلامی (حفظه الله) پیش بریم. معیارهای ایشونو با معیارهای کاندیداها وفق بدیم و هر کدام که به عمل به این معیارها نزدیک تر بود رو انتخاب کنیم. البته باید دقت کرد، ظاهرالصلوه بودن با انقلابی بودن خیلی فرق میکنه. اینکه ما بگیم مومن انقلابی هستیم، ولی در عمل منافقانه رفتار کنیم که نمیتوان گفت مومن انقلابی. اینکه همواره با شهوت قدرت و ریاست بدنال پست و مقام و ترفیع جایگاه و ثروت اندوزی باشیم که نمیتوان گفت جوان انقلابی. اینکه بخاطر رسیدن به منافع مون بخواهیم دیگران رو کنار بزنینم که بتوانیم راحت تر به مراد دل مون برسیم که نمی شود انقلابی. جوان انقلابی جوانی است که به عمل خود را فدای مسیر ولایت می کند و از جان خود برای استحکام دین و دنیای مردم می گذرد تا راه گم نشود. فلذا بهترین راه شناخت، بخصوص در نزد جوانان، مشورت با مومنین به واقع انقلابی است، نه به ظاهر! کسانی که اهل دیانت و معرفت هستند و همیشه در بین مردم حاضرند و جوای احوال آنان می شوند و از هر کمکی برای آنان دریغ نمی کنند. نه اینکه فقط در مناسبات سیاسی با چرب زبانی بخواهند خود را نشان دهند و عوام فریبی کنند و بروند.

به نظرتون معیار انتخاب اصلح در جامعه امروزی چی میتونه باشه؟ چقدر به اون معیارها نزدیک هستیم.

به نظر بنده مهم ترین معیارهای انتخاب اصلح همان بنیه اعتقادی، تقوا و دین داری و خدمت خالصانه و جهادگرانه در کنار کاربرد بودن و پشتکار داشتن است که ما به این موارد میگیریم تعهد و تخصص. متأسفانه بسیاری از کاندیداها آمدند و رفتند، ولی نه تعهدی در کار بود و نه تخصصی و تا به جایی رسیدند، تنها گروهی که فراموش شدند مردم بودند، بخصوص

جوانان. کسی که برای خدمت در عرصه انتخابات حضور پیدا می‌کند، می‌بایست در تمام دوران خدمتش به فکر مردم و آبادانی منطقه باشد. نه اینکه بخواهند فقط دست اندرکاران ستادشان را به نان و نوایی برسازند که در دوره‌های بعد هم به دردشان بخورند، ولی مردم و جوانان منطقه تلف بشوند. انتخاب اصلح این نیست که فرد در آستانه انتخابات برود و برای مناطق پرجمعیت در برخی شهرها جاده بسازد و امکانات رفاهی تأمین کند و برای فرزندان بزرگان آنان شغل ایجاد کند! دیدگاه الهی به ما می‌گوید، نه رفتار آن مسئول خدایی است و نه رفتار آن دست‌اندرکار؛ چرا که او برای رفاه خود برایش قدمی برداشت و دیگری نیز برای رفاه خود برایش فعالیت کرد. فلذا خود، تبدیل به خدا نشد! ولی ما همواره ادعای دین‌داری و خداگرایی می‌کنیم و با همین نانی که به دست آوردیم مراسمات مذهبی هم برگزار می‌کنیم و خود را باور هم داریم! اگر بگویم تاکنون فاصله ما تا معیارهای انتخاب اصلح فاصله بین زمین تا هفت آسمان بوده است، چیزی به گزاف نگفته‌ام. کسی را انتخاب کنیم که هم تقوا داشته باشد و هم اینکه بتواند از عهده کار برآید و سابقه اجرایی درخشانی داشته باشد! نه اینکه به دنبال زمین خواری و ثروت اندوزی و از قبيله قدرت و ثروت باشد که نه بتواند و بخواهد قوانینی را وضع کند که به نفع قشر فقیر و متوسط جامعه باشد و نه بخواهد سد راه اشرافی‌گری جامعه بشود.

استاد جنابعالی بعنوان چهره قرآنی و مذهبی و جوان انقلابی و ولایی شهر آیا در عرصه انتخابات حضور و ظهور پیدا میکنید و برای جوانان منطقه برنامه روشنگری و بصیرت‌افزایی دارید که راه روگم نکن؟

بنده همیشه وظیفه اصلی خود می‌دانم که در آستانه انتخابات براساس موازین رهبری به عنوان یک جوان انقلابی ورود پیدا کنم و روشنگری نمایم، ولی اینکه فرمودید ظهور کنم، خیر. تاکنون به چنین مسأله‌ای حتی فکر هم نکردم، چه برسد به اینکه بخواهم بعنوان کاندیدا خود را معرفی کنم. در حال حاضر نیازی نمی‌بینم و خود را مُصلح نیز نمی‌دانم؛ بهمین دلیل چنین برنامه‌ای ندارم.

استاد در دوره قبل انتخابات شورای شهر، حضور جوانان بعنوان کاندیدای شورا چشم‌گیر بود؛ چرا شما بعنوان جوان مومن انقلابی شهر با این روحیه جهادگری و ایثار و فکر خلاقانه و ابتکارعمل و قدرت نفوذی که در بین مردم، بخصوص جوانان منطقه دارید، وارد کاندیداتوری شورای شهر نشدید؟

بحث شورای شهر و کاندیداتوری در آن بحث مفصلی است که مجال سخن در این پروسه زمانی نیست. شورای شهر با قوانینی که در آن وضع شده می‌بایست همواره در کنار کارشناس بودن، وحدت داشته باشند. به همین علت طرز فکرها و عملکردها گاهی به هم نمی‌خورند و رفتارهای سیاسی و اجتماعی هم مزید بر علت می‌شود. فلذا حتما باید اعضاء شورا یک مجموعه هماهنگ باشند تا موفق بشن. مجموعه‌ای مومن و انقلابی که هم کاربلد و با پشتکار باشند و هم متعهد و قطعا مهم‌ترین عامل در پیشرفت و پیشبرد شوراها همان مدیریت جهادی است که امیدوارم روزی شاهد چنین مدیریتی باشیم. همانطور که قبلا هم عرض کردم، در حال حاضر ضرورتی نمی‌بینم که ورود پیدا کنم و تکلیفی هم در خود نمی‌بینم. جوانان زیادی هستند که می‌گویند قصد خدمت داریم. ان شاءالله موفق باشند.

وضعیت دولت رو در کشور چگونه ارزیابی میکنید؟ آیا از وضعیت موجود رضایت دارید؟

خب طبیعتا هر دولتی با رویکرد اجتماعی خودش مسیری رو ترسیم میکنه و قصد خدمت به مردم رو داره. در هر دولتی کاستی و نقصان جود داره و مسئولین می‌بایست متحد بشن و برای رضای خدا قدم‌های محکم بردارند. مردم ما مردم خوبی هستن و باید بهشون بیشتر خدمت کرد و بستر رفاه بیشتر رو براشون فراهم آورد. قبلا هم عرض کردم، این ما هستیم که انتخاب می‌کنیم و اگر جایی مشکلی مشاهده کردیم، به انتخاب خودمون شک کنیم.

آقای صیدآبادی کمی هم به مباحث فلسفی جامعه پردازیم. رابطه نفاق و تزویر رو آگه بخواین با جامعه امروزی تطبیق بدید، چه نتیجه ای براتون حاصل میشه؟ آیا چنین صفات ناپسندی در جامعه وجود داره؟
جامعه امروزی جامعه ای است پیچیده و ناشناخته که دوست و دشمن درش مشخص نیست. ظاهر آراسته ولی باطن آشفته و مرموز، به گونه ای که با مشاهده فرد در ذهن مان پی به تقدس می بریم، در حالی که باطنش شیطان است، ولی ما متوجه نمی شویم، چون علم و بصیرت نداریم. تنها چیزی که تزویر و نفاق رو هویدا میکنه زمان است. زمان، حقیقت انسان ها رو روشن میکنه. باید صبور بود و انسان ها را در موقعیت های مختلف و در زمان های متفاوت مشاهده کرد.

استاد انقلابی گری را در چه می بینید؟ جوانان ما چگونه میتونن انقلابی گری رو در زندگی شون پیاده کنن؟
جوانی که ادعای انقلابی گری داره باید مطیع ولایت باشه و از خودش بگذره. در میدان های نبرد حضور مستمر پیدا کنه. چه در عرصه علمی، چه در عرصه فرهنگی، چه در عرصه تبلیغی، چه در عرصه اجتماعی و سیاسی و چه در عرصه جهادگری و ایثار باید از خود گذشتگی کنه و بیاد وسط میدان. انقلابی گری باید به عمل در زندگی انسان نمود پیدا کنه، نه به ظاهر! اینکه بگویم انقلابی هستیم و مطیع رهبری، باید در تبعیت از تمام سخن رهبری کوشا باشیم، نه اینکه عده ای بخواهند بخشی از سخنان رهبری را که به نفع شان هست بپذیرند و بخش دیگر را برش دهند و نپذیرند! هر جای سخن رهبری به منافع شان بود را بپذیرند و هر جای سخن رهبری که به موقعیت و منافع شان خدشه وارد می کرد را نپذیرند. باید ولایت مدار مطلق بود.

کمی هم به زندگی شخصی تون پردازیم. از کتاب های جدید التالیفتون چه خبر؟ کتاب هاتونو به فروش رسوندید؟
کتاب های بنده از جمله کتاب هایی هستند که هیچ گاه برای فروش و درآمدزایی تألیف نمی شوند. در واقع بنده شخصی نیستم که به دنبال کاسبی کردن و مادیات و ثروت اندوزی باشم. دو جلد کتاب *الذین والحقیه* که زندگی یک ساله آموزشی و تربیتی بنده رو به تصویر میکشه کتابی است خاطره انگیز و آموزنده که میتونه مورد خطاب خیلی از همکاران و حتی دانش آموزان عزیز باشه.

و کتاب دیگری که مراحل پایانی اش را طی می کنه کتاب "کشکول کوچک من" است که براساس سلسله دروس اعتقادی، تربیتی و بصیرتی هفتگی حقیر تالیف شده و کاربرد اصلی آن برای جوانان مومن انقلابی و عزیزانی است که به دنبال هویت اصلی خودشان هستند و می خواهند راهی به سوی رستگاری پیدا کنند.

آگه بخواین از میان منبرهای مجازی تون يك منبر رو انتخاب کنید، کدومشونو انتخاب میکنید؟ چرا؟
منبرهای مجازی حقیر منبرهایی است که از روی الهامات درون با مقایسه رفتارهای بیرون به ثمر نشسته است. دروسی که بصورت قصار و به شکلی ساده و روان مطرح شده و اثرش در ذهن می ماند. بنده همه مطالبشو دوست دارم، ولی آگه بخوام موضوعی رو بیان کنم میتونم به مباحثی که پیرامون جایگاه "ولایت" است اشاره کنم.

آقای صیدآبادی آگه بخواین همین الان خیلی یهویی يك درس اخلاق کوتاه برامون داشته باشید، چه جملاتی رو بیان می کنید؟
حق الناس و رابطه مستقیم آن با نبایدهای انتخاباتی. / فی الواقع حق الناس چیزی است که فقط مردم می توانند آن را رفع کنند. فلذا در بخشی از امورات اجتماعی و سیاسی جامعه اگر کسی بعنوان کاندیدای انتخابات عمدا ظهور پیدا کند و با علم بر این که می داند رای نمی آورد و موجب شکستن آراء فرد مومنی که صلاحیت دارد می شود و این امر موجب می شود، فردی ناخلف بر کرسی مملکت بنشیند و تیشه به ریشه دین و دیانت و انسانیت و مملکت بزند، حق الناس بزرگی بر گردن

اوست و می بایست در قیامت پاسخگوی همه مردم باشد. چرا که با گناه بی لذت خود، آتش را خرید و در واقع با آتش بازی کرد.

استاد مدرسه رو بیشتر دوست دارید یا دارالقرآن؟ چرا؟

مدرسه ی عجیب شده با دارالقرآن. هیچ کدومشون به تنهایی برایم خوشایند نیست. به نظرم در هر دو به بنده نیاز دارن و مانع شدن در هر یک از این دو مسیر ظلم به همه است، ظلمی که با رنج همراه خواهد بود.

در حال حاضر دوست دارید به کجا مسافرت برید؟ علت انتخابتونم بگین لطفا.

مایلم با یک جمع خلوت به مشهدالرضا(سلام الله علیه) بروم. علت خاصی نداره. هم عقل و هم دل چنین پیشنهادی میدن.

لطفا کمی هم در مورد فعالیت تون در منزل بفرمایید؟ اوقات فراغت و استراحت تون در منزل چگونه سپری میشه؟ بنده در اوقات فراغت توفیق پیدا کنم به مادر و پدرم کمک میکنم. کمی هم تفکر میکنم و کمی از اذکار الهی بهره می برم. بیشتر به فعالیت فرهنگی می پردازم و علاقه بسیاری به فعالیت های پژوهشی و مجازی دارم.

اگه بخواین خالصانه از شخصی تشکر کنید، از چه کسی تشکر می کنید؟ لطفا همین جا تشکر کنید. قطعاً از پدر و مادرم تشکر می کنم. عزیزی که مرا با تمام وجود پروریده و سردی و گرمی دنیا رو چشیدن و با تمام سختی راه مرا به اینجا رساندند. امیدوارم بتوانم بخشی از زحماتشونو جبران کنم. خدا حفظشون کنه...

در مصاحبه های قبلی گفته بودید تمام الگو و ارادت تون به محضر مقام معظم رهبری است و هیچ وقت ایشونو تنها نگذاشتید. اگه بخواین جمله ای در مورد ایشون بگید چی میگوید؟

قطعاً همینطوره که فرمودید. الگوی اصلی بنده حضرت آقا هستند. ایشان بر خودم و پدر و مادرم اولی هستند و اگر کار به جایی برسه که نیاز باشه جان مونم در راهشون فدا کنیم، هممون با افتخار این کارو خواهیم کرد.

سخن آخرتون؟

ممنونم از اینکه وقت گذاشتید و حقیر را قابل دونستید. شب خوب و پرنشاطی بود. به همه عزیزان بخصوص جوانان عزیز توصیه می کنم به دنبال ترسیم مدینه فاضله شان باشند، هم مدینه فاضله درون و هم مدینه فاضله بیرون و از تفرقه و بلندپروازی بپرهیزند و همواره منتظر ظهور امام عصر(ارواحنا فداه) باشند و همیشه خدای متعال رو یاد کنند. سلام و درود خداوند به روح مطهر امام راحل عظیم الشان و شهدای عزیزمون که از خود گذشتند تا خدا بماند. یا علی

تشکر می کنیم از استاد صیدآبادی و آرزوی سلامتی و موفقیت داریم برای ایشون و خانواده محترم شون.